

معرفی الذریعه الی تصانیف الشیعه

احمد منزوی

[نشریه کتابخانه و مرکزی و مرکز اسناد، کتاب داری، دفتر چهارم،
ش 3، تهران 1352خ]

«ذریعه» را اهل کتاب و خوانندگان می‌شناسند، هم‌چنین پدرم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی را. او به سال 1293 ق در پامنار در یک خانواده‌ی بازرگان متدین پا به دنیا گذارد، در سن حدود چهل سالگی به سال 1329 ق آغاز به نگارش کتاب بزرگ خود «الذریعه» کرد، و تا کنون که در آستانه‌ی صد مین سال زندگی است¹ شصت سال عمر خود را در این کار صرف کرده است.

«ذریعه» را دیده‌آید و سرگذشت مردی که شصت سال از عمر صد ساله‌ی خود را در آن بکار برده می‌شناسید. تنها من در این مقاله از روش او در کار تهیه‌ی «الذریعه» سخن خواهم گفت.

تا پایان جلد نوزدهم ذریعه که [تازمان نگارش این مقاله] بیست و دو جلد [از آن] منتشر شده حدود 51 هزار کتاب فارسی و عربی و ترکی و اردو شناسانده شده است. گویا تا پایان کتاب‌ها به هفتاد هزار برسد.

پدرم برای تدوین کتاب خود از روش فیش نویسی استفاده نکردند، بلکه همان روش کهن را داشتند. در آغاز، مجلدی حدود پانصد برگ سفید برگزید و صفحات را میان حروف هجا به ترتیبی تقسیم کرد. سپس کتاب‌ها را که یافت به ترتیب حروف آغاز و دوم و سوم به فواصلی میان این صفحه‌ها می‌نوشتند. نمی‌دانم، شاید خودشان بیاد بدارند که کی این مجلد پرشد. سپس شش مجلد هریک پیرامون 500 برگ سفید برگزیدند و آن یک مجلد را به فواصل مناسبتر میان صفحه‌های آن شش مجلد منتقل کردند. طبعاً در این فاصله مهارت لازم را به دست آورده بودند و نسبتاً در معرفی کتاب‌ها تناسبی به وجود آمد. در این شش مجلد نام کتاب‌ها با شگرف و در آغاز سطرها نوشته شده است. کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی‌ها نظم بهتری به خود گرفت.

پدرم خط نسخ خوشی دارند، زیرنویس هستند، بسیار دقیق می‌نویسند و کمتر در کتاب «ذریعه» خط‌خوردگی هست. بسیاری از صفحه‌های این شش مجلد حتی یک قلم‌خوردگی ندارد. ولی در مدت این شصت سال به قسمت‌هایی از معرفی یک کتاب مطالبی افزوده‌اند که رنگ مرکب آن مشخص است. بسیاری از این افزودگی‌ها با هامش رفته است و عجیب است که نشانه‌ی ایشان بیشتر رقم (7) است و با این نشانی به هامش می‌روند. یکی از مشکلات پاک‌نویسی برای چاپ الذریعه همین روش ایشان است. زیرا گاهی در یکی دو سطر به دنبال هم چند بار از این نشانی (7) استفاده شده است. پاک‌نویسی «ذریعه» برای چاپ بایستی به وسیله‌ی یک نفر مطلع و دلسوز انجام گیرد. من در این کار بسیار سرگردان می‌شوم، گاهی ناگزیر می‌شوم از قسمتی که در هامش نوشته شده است برای اجتناب از غلط در آمدن چشم‌پوشی کنم. بسیاری نیز شده که پس از چاپ و فرستادن جزوه برای ایشان، از نجف نوشته‌اند که چرا فلان مطلب که هامش نسخه‌ی اصلی بوده و من

در فلان سفر و از فلان منبع به دست آورده بودم در چاپی نیامده است! این بسیار شگفت است که مردی با این سن بدون این نسخه اصلی «ذریعه» در دسترسش، نشانی یادداشتهای خود را بیاد داشته باشد.

درباره‌ی خط ریز ایشان نیز برای مثال بگویم: سیصد و هشتاد صفحه‌ی جلد نوزدهم «ذریعه» که در آستانه‌ی پخش است، پاکنویس شده‌ی پنجاه و پنج صفحه‌ی نسخه‌ی اصل است، که برخی از صفحه‌های آن نیز نسبتاً سفید مانده بود و نیز بگویم در برخی از صفحه‌ها تا پنجاه کتاب معرفی شده است. ایشان در گردآوری مطالب از سه منبع بزرگ بهره برده‌اند:

نخست، کتابخانه‌های شخصی و عمومی است. برای دستیابی به نسخه‌ها سفرها کرده‌اند. کتابخانه‌های عراق عرب از بصره تا موصل، کتابخانه‌هایی در سوریه و لبنان و مصر و حجاز مورد بازدید ایشان قرار گرفته، سه بار به ایران سفر کرده و در شهرهای غربی، اصفهان، تهران، مشهد توقف کرده‌اند. در این سفرها و حتی در سفرهای کوتاه و زیارتی این شش جلد را با خود داشتند. در شهرها نیز معمولاً به خانه‌ی کسانی وارد می‌شدند که کتابخانه‌ی بزرگتری داشته‌اند. مردان نیکخواهی نیز بودند که کتابهای خود را زیر بغل حمل کرده به منزل ما آوردند تا ایشان را در گردآوری این فهرست یاری کرده باشند. زندگی ایشان کارمندی بوده و هست. در روز حداکثر یکبار برای برگزاری نماز جماعت به مسجد و یا حرم امامان می‌رفتند، اکنون از این تنوع نیز باز مانده‌اند. دیگر ساعتها را پس از نیمه‌های شب سرگرم کتابهایی بودند که آن مردان خیر بسته بسته به منزل آورده بودند. به یاد دارم صبح‌های پنجشنبه در منزل مجلس روضه‌خوانی بود، جوان‌ها سینی چای می‌گردانیدند و چای می‌دادند، وعظ به منبر می‌رفتند ولی صاحب «ذریعه» در کتابخانه‌ی خود که از مجلس روضه‌خوانی نیز جدا نبود و دامنه‌ی جمعیت بدان جا هم کشیده شده بود مشغول نوشتن بودند. گاهی وعظ نمی‌آمد، از ایشان خواسته می‌شد که به منبر بروند. ایشان همان‌طور که کتابها روی هم باز گذاشته مانده بود قلم را به زمین می‌گذاشتند و به منبر می‌رفتند، بسیار کوتاه برگزار می‌کردند و مومنین مرخص می‌شدند، باز ایشان بروی تشک در پشت میز کوتاه خود چمباتمه می‌زدند و به کار مشغول می‌شدند.

منبع دوم کار ایشان کتابهای رجال و تاریخ و تذکره‌هاست و نیز کتابهای دیگری از کتب فقهی و علوم دیگر، ایشان در این کار نیز شیوه‌ی گذشتگان را داشتند. امروز تنها از کتابهایی استفاده می‌شود که دارای فهرست نامه‌ی اشخاص، نام کتابها... باشد. و از راه فهرستها به مطالب مورد نظر خود دست می‌یابیم. کمتر کسی هست که کتابی را از برگ اول بخواندن شروع کند و ورق زند تا آخر، ایشان کتابهای قطور را از آغاز تا به انجام ورق می‌زدند و نام کتابها را از آن استخراج می‌کردند و در جای خود در «ذریعه» می‌نوشتند.

نقص این کار در این بود که یک کتاب در چند منبع به چند نام آمده و گاهی همان‌طور به چند نام در چند «ذریعه» درج گردیده است که در مواقع دیگر در پایان آن احتمال اتحاد آن دو را

یادداشت کرده‌اند. این دسته کتاب‌ها را ایشان ندیده‌اند تنها به نام آنها برخورد کرده یا مطالبی از آن نقل شده است. ایشان نام کتاب و نام منبع و موضوعی که در کتاب و مهدی‌الیه و نشانی‌های دیگر کتاب نیز نوشته‌اند. چه بسیار کتاب‌هایی که بعداً از زوایای گنج‌ها و بخاری‌ها بیرون آمده و همین نشانی‌ها با آن تطبیق داده شده و موجب شناسایی آن کتاب گشته است. اهمیت دیگر این روش در این است که برای کتاب‌ها سند تاریخی به دست می‌دهد. کتابی پیدا می‌شود که نام کتاب و نگارنده آن معلوم نیست و یا نام آن در نمای نسخه آمده ولی در این انتساب تردید است. با مراجعه به «الذریعه» نام کتاب و نگارنده و نشانی‌هایی از آن و منبعی که این کتاب را به نگارنده نسبت داده به دست می‌آید.

منبع سوم کار ایشان فهرست کتابخانه‌هاست. فهرستنویسی در ایران کار تازه‌ای است که پس از جنگ دوم جهانی در ایران پیشرفت کرده است. از 45 هزار صفحه (تقریباً) فهرستی که در ایران منتشر شده نیمی از آن در همین ده ساله‌ی اخیر منتشر شده است. تنها نزدیک به دو هزار صفحه از آن پیش از جنگ دوم بیشتر شده بود. صاحب «الذریعه» از سال 1329ق که سال آغاز کار ایشان اسن تا سال 1355ق که شروع به چاپ جلد یکم کتاب خود کرده‌اند از این منبع عظیم محروم بوده‌اند ولی از آن چه چاپ شده بود حداکثر استفاده را کرده‌اند و به تدریج که این فهرست‌ها به دست ایشان می‌رسید «ذریعه» غنی‌تر می‌گشت. اثر این فهرست‌ها در مجلدات تازه‌تر «ذریعه» مشهود است. سال‌های اخیر قوای جسمانی ایشان تحلیل رفته بود و برادر بزرگم علینقی منزوی در امر استدراک کتاب‌ها و گنج‌انیدن آنها در «ذریعه» سهم بزرگی را داشته و پدرم در نامه‌های خود بارها زحمات او را قدردانی کرده و نام او در پشت آن مجلدات ثبت شده است.

منبع دیگری نیز مورد استفاده‌ی ایشان بوده و آن فهرست‌های دست‌نویس است که مردان اهل کتاب از کتاب‌های شخصی خود برای ایشان تهیه می‌کرده و به سامره و نجف می‌فرستادند، نام این مردان نیک نیز در «ذریعه» آمده است.

چاپ کتاب «ذریعه» نیز برای خانواده‌ی ما داستانی حماسی شده است. سرمایه‌ی اولیه برای چاپ جلد اول را حاج میرزا حبیب‌الله حسنی از بازرگانان خیر و عم صاحب «الذریعه» تامین کرد. جلد‌های بعدی به کوشش برادرم [علینقی] و با قرض کردن انجام گرفت. چه بسیار سال‌ها که از حقوق ناچیزی که از دانشگاه می‌گرفت اقساط چاپخانه و کاغذ فروش را می‌پرداخت. تنها چند سالی است که دیگر چاپ «ذریعه» برای ما غم و غصه‌ای ندارد. جلد هفدهم و [جلد‌های] پس از آن به سرمایه‌ی شرکت چاپ اسلامی منتشر شده است. زحمت ما در این مورد تنها پاک‌نویس مطالب و غلط‌گیریست خداوند همه کسانی که ما را در این راه کمک کردند خیر دهد، و شما را نیز که از ما حال پرسیدید.²

1- این مقاله قبل از وفات مرحوم تهرانی نوشته شده. شیخ آقا بزرگ در سال 1348خ وفات کردند.

2- اکنون که این مقاله به چاپ می‌رسد جلد بیست و یکم از کتاب «الذریعه» در دسترس قرار گرفته است. (کتابدار)